

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سرمدیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۷۸۸۶۴-۴۸۵۳
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۹۴۵/۹۷۰ رده بندی کنگره: د ۹۱۳/۲

خانواده و پیشگیری انتظامی از جرم

دکتر حسین مظهری

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

چکیده

در دنیای پیچیده و متمدن کنونی که به عصر علم و فناوری اطلاعات ملقب گشته و با گسترش و توسعه روز افزون وسایل ارتباط جمعی و ظهور غول های رسانه ای دیداری، شنیداری و رایانه ای و کم رنگ شدن مرزهای فرهنگی، هر یک از ملت ها به نوعی خود را با فرهنگ های مختلف تا حدودی همانند ساخته و در معرض از بین بردن حدود و ثغور فرهنگ خود قرار گرفته اند. تراحم و تعارض ناشی از این ارتباط نا عادلانه فرهنگی، ابتدا در کوچکترین نهاد اجتماعی، یعنی خانواده ظهور می کند و رفته رفته جامعه را تحت تأثیر رفتار خود قرار می دهد. خانواده به عنوان کوچک ترین نهاد اجتماعی، می تواند تجلی گاه صعود یا پرتگاه سقوط هر جامعه باشد. پس باید برای جامعه ای ایده آل، خانواده ای ایده آل داشت که این مهم، همت همگان را می طلبد. وضع محیط خانوادگی، در سازگار کردن افراد با محیط اجتماعی نقش بسیار مهمی را ایفاء می کند، زیرا آرامش، امنیت، رأفت و محبت از بسیاری از انحرافات و جرایم پیشگیری می کند. همبستگی در محیط خانواده قدرت مقاومت را در برابر محرومیت ها، نا ملایمات و مشکلات زندگی افزایش می دهد. عامل پیشگیری کننده از جرم را می توان در خانواده جستجو کرد. وقتی نظام خانواده، سالم است، نقش هایی که هر یک از اعضای خانواده به عهده می گیرند نیز، سالم باشد. در این رهگذر پیشگیری انتظامی از جرم به عنوان یکی از موارد پیشگیری از جرم نقش اساسی و به سزایی در سلامت خانواده ایفاء می کند.

واژگان کلیدی: خانواده، جرم، پیشگیری، انتظامی، نهاد های اجتماعی، والدین، فرزند،

عوامل جرم زا

بخش اول: کلیات

در روند گذار از سنت به مدرنیسم، عرصه‌های متعدد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و دچار تحول می‌شود، مقوله خانواده در این میان، به عنوان حوزه روابط خصوصی کنشگران (اعضای خانواده) همواره با چالش‌ها و تضادهای عمیق ارزشی، هنجاری، عرفی و اخلاقی مواجه شده است. بی تردید با وجود روابط متعالی میان دو عرصه عمومی (جامعه) و خصوصی (خانواده)، ضرورت تغییر و تحول در ساختار سنتی و اقتدارگری خانواده، به عنوان نخستین پایگاه تربیت اجتماعی شدن افراد، برای دست‌یابی به جامعه دموکراتیک برابری طلب همواره اهمیت دارد. مروری بر نظریات نهادی، فمینیستی و گروه نگر نشان‌دهنده تحولات نظری جامعه‌شناختی نسبت به مفهوم خانواده و کارکردهای آن است. خانواده به عنوان نخستین واحد اجتماعی، وظایف و کارکردهای متفاوتی بر عهده دارد و مکان اصلی تربیت و اجتماعی شدن انسان‌ها، یادگیری ارزش‌ها، هنجارها و شکل‌گیری کنش‌ها و تعاملات بین فردی است. به طور واضح‌تر در فضای خانواده است که افراد می‌آموزند چگونه با اعضا ارتباط برقرار کنند و الگوی روابط و قواعد کنش متقابل مشخص می‌شود. تا افراد بر اساس آن روابط خویش را سامان دهند. پیشگیری از جرم و انحرافات اجتماعی، یکی از راهکارهایی است که در بخش نظارت و کنترل اجتماعی مطرح می‌شود و نقش اساسی در آن حوزه ایفا می‌کند. یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری افراد از جرم، انحرافات و ناهنجاری‌های، تأثیر خانواده به خصوص والدین می‌باشد. چرا که آن‌ها با افکار و برخورد‌ها و به کارگیری روش‌های درست در زندگی می‌توانند عضو خانواده‌شان را از کجروی و ناهنجاری نجات دهند. در نظام حیات اجتماعی اسلام، پیشگیری از جرم مقدم بر اصلاح است و امکان پیشگیری هم

وجود دارد چرا که از نگاه علمای اسلام، انسانها دارای فطرت خدا جو هستند و همین فطرت بسیاری از وقایع و مسایل را حل و امور موردانتظار جامعه را محقق خواهند ساخت.

جرم پدیده ای است که زمینه های خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نقش اساسی در شکل گیری آن دارد و با بررسی داده هایی که از محیط تعاملی جرم می باشد، می توان به تخمین تحولات آینده در زمینه وقوع آن دست زد. پیشگیری یا مقابله با جرایم، توسط ابزارهای قدرت مشروع و دستگاه انتظامی، بدون استفاده از اطلاعات متقن و داده های لازم، اثر بخشی لازم را نداشته و در مواردی می تواند باعث تشدید یا پیچیدگی بیشتر شرایط شود.

در پایان دهه ۱۹۶۰ دو تغییر مهم در دیدگاه مردم نسبت به آینده شکل گرفت. اولاً مردم کم کم متقاعد می شدند که مطالعه و بررسی آینده امکان پذیر است. ثانياً، شناخت و تشخیص این نکته بود که جهان آینده انعطاف پذیر است. انسان ها به سمت یک آینده مقدر و از پیش تعیین نمی روند، برعکس، آنها بازیگران فعال در خلق جهان آینده هستند. بنابراین مطالعه آینده صرفاً یک سرگرمی بیهوده برای افرادی که می خواهند طالع خود را بدانند، نیست، بلکه وظیفه اساسی هر انسانی است که می خواهد هوشمندانه انتخاب و عمل کند. این تغییر در طرز فکر نه تنها پیش بینی پذیری امور را موجه و عقلانی جلوه داده، بلکه آن را یک ضرورت، به ویژه در قلمرو مدیریتی تبدیل کرد. این امر در دهه های اخیر که تحولات، شتابان و سریع و غافل گیر کننده است، اهمیت اساسی تری پیدا کرده است. این دهه ها قرین تغییر و بویایی است که درنگ و عقب ماندگی از این تحولات می تواند در عرصه های امنیتی و انتظامی به غافل گیری

خواهیم پرداخت، آنگاه به پیشگیری از جرم و انواع آن اشاره نموده و در نهایت در مورد رابطه‌ی خانواده و پیشگیری انتظامی از جرم سخن خواهیم گفت.

بخش دوم: تعریف خانواده از نظر جامعه‌شناسی

کوچک‌ترین واحد اجتماعی خانواده است. زندگی مشترک انسان‌ها تا وقتی که به زن و شوهر، فرزندان، فرزند زادگان و احياناً همسران و فرزندان آن‌ها محدود است، زندگی خانوادگی نامیده می‌شود.

خانواده اختصاصاً در جوامع امروز از پدر، مادر و فرزندان تشکیل می‌شود و به عبارت دیگر، خانواده سازمان یا اجتماعی است که مبتنی بر روابط خویشاوندی (سببی و نسبی) است. خانواده یک نهاد اجتماعی است که در همه جا و همه زمان وجود دارد و بدون آن دوام و بقای جامعه مسیر نخواهد بود. هیچ جامعه‌ای نیست که در آن نظام خانوادگی برقرار نباشد.

هر یک از ما حصول تربیت و روابط بین فردی اعضای خانواده (والدین) خود هستیم که این روابط می‌توانند آثار دیرپایی بر شخصیت ما بگذارند. به همین دلیل، مسئولیت والدین در اعمال رهبری و مدیریت اثر بخش و دستیابی به بهره‌وری بهینه خانواده سنگین است.

مدیریت و رهبری اثر بخش والدین، باعث می‌شود، کودکان کنجکاو باشند و مرتب با شگفتی‌ها مواجه شوند، فرزندان خانواده به یادگیری در زمینه چگونگی استفاده از قدرت خود برای دانستن، عشق ورزیدن، احساس کردن، انتخاب کردن و..... نیازمند باشند و کودکان نیز به یادگیری شیوه‌های اثر بخش و خلاق استفاده از توانایی‌های مختلف خود نیاز داشته باشند.

هم چنین نیازهای اساسی از قبیل: احساس ارزش، احساس امنیت جسمی، احساس مولد بودن یا داشتن بهره‌وری بهینه، احساس صمیمیت و وابستگی، احساس برخورداری بودن از ساخت منسجم و متحد، احساس شادی و خوشی، مورد تأیید و تصدیق دیگران بودن، نیاز به تشویق و نظایر آن در یک خانواده سالم تحقق پیدا می‌کند و تمامی این‌ها در یک نظام خانواده سالم و پویا جریان می‌یابد.

هر نظام خانوادگی دارای اجزا، اصول و مقرراتی است که مهم‌ترین اجزای آن رابطه‌ی مادر با خود و با پدر خانواده و همچنین رابطه‌ی پدر با خود و با مادر خانواده است. کیفیت و منزلت این روابط، نظام خانواده را تحت سلطه خود قرار می‌دهد و اگر ازدواج یک زن و مرد موفقیت‌آمیز باشد، امکان تحقق بخشیدن به ابعاد گوناگون شخصیت فرزندان فراهم می‌آید.

از طرف دیگر، وقتی ازدواجی با عدم موفقیت مواجه می‌شود، اعضای خانواده فشار روانی فزاینده‌ای را تجربه می‌کنند و برای مقابله با شرایط بیماری‌زای خانواده، از شیوه‌های ناسالم رفتاری، شناختی و هیجانی استفاده می‌کنند.

تحقیقات نشان می‌دهد که بزهکاری نوجوانان را می‌توان در محیط خانوادگی آنان جستجو کرد. محیط خانوادگی خالی از صمیمیت می‌تواند بزهکاری را پرورش دهد.

فرهنگ حقوقی دالوز خانواده را چنین تعریف می‌کند: خانواده یک نهاد حقوقی است مشتمل بر مجموع اشخاصی که به وسیله‌ی رشته‌های زناشویی یا خونی یا فرزندخواندگی با یکدیگر پیوسته یافته‌اند. در معنای محدودتر، کلمه‌ی خانواده معرف شرکت ناشی از زناشویی است که شامل زن و شوهر و فرزندان می‌شود (کی‌نیا، ۶۰۳، ۱۳۸۶).

بند اول: انواع خانواده

خانواده در تمام جوامع شکل و الگوی واحدی نداشته است. مطالعات به وضوح نشان می‌دهد که می‌توان خانواده‌ها را بر اساس الگوی زندگی شان به انواع مختلف تقسیم کرد. بعضی تقسیمات خانواده را به خانواده‌های پدر سالار و مادر سالار و بعضی دیگر خانواده را به صورت چند همسری، تک همسری، درون همسری و برون همسری تقسیم کرده‌اند. ولی یک تقسیم بندی کلی که انواع دیگر را شامل می‌شود، تقسیم آن به خانواده هسته‌ای و خانواده گسترده است.

الف- خانواده پدر سالار: در این خانواده پدر حرف اول را می‌زند و بقیه محکوم به اطاعت از او هستند و او بر مادر و فرزندان تسلط دارد و بدون اجازه او کسی حق تصمیم‌گیری و عمل ندارد. خانواده‌های پدر سالار در جوامع سنتی بسیار رایج بودند و هنوز هم بسیاری از خانواده‌ها در جوامع هستند که پدر بر آنها سلطه کامل دارد. در این خانواده‌ها استقلال فرزندان دچار اختلال می‌شود و قدرت تصمیم‌گیری و قضاوت آن‌ها خوب رشد نمی‌کند. پسران این نوع خانواده بعضاً افرادی ضعیف، در عین حال زورگو بار می‌آیند که از منطق پیروی نمی‌کنند و ممکن است ازدواج پر خطری را تجربه کنند. در هر صورت تعادل در خانواده پدر سالار وجود ندارد و این خانواده خصوصاً در جامع رو به رشد امروزی به جز آسیب رساندن و تربیت افراد نالایق و از تعادل خارج شده و در خطر انداختن سرنوشت اعضای خانواده، فایده دیگری ندارد.

ب- خانواده مادر سالار: در این خانواده مادر بر دیگر اعضا تسلط کامل دارد و هیچ کس حق ندارد بدون اجازه او رفتار ی کند. پدر خانواده فردی ضعیف و بی‌اراده است و فرزندان نقش الگوی پدر را ندارند و او را فردی مطیع مادر می‌دانند. پدری که باید مظهر

الگوی قدرت کودکان باشد، فردی ضعیف است. پسرها در این خانواده ممکن است با دو نگرش متفاوت پا به عرصه زندگی بگذارند و نتوانند یک مدیر خوب برای خانواده خود باشند. یا حس انتقام از زنان به علت رفتار مادرشان با پدر شکل بگیرد یا مثل پدر در مقابل همسران آینده خود ضعیف باشند. در هر دو صورت، خانواده این افراد آسیب خواهند دید. وضعیت رفتار دختران این خانواده نیز در آینده نامتعادل خواهد بود. (حالت تعادل و میانه روی در میان نیست).

ج) خانواده تک همسری: که معادل لاتین آن monogamy است، از mono به معنای یک یا تک و پسوند gamy به معنای عروسی، ازدواج و مقاربت جنسی مشتق شده است. تک همسری، داشتن یک همسر در یک زمان است. به عبارتی یک زن و یک مرد است. این زناشویی بر اساس ازدواج مسیحی است و گسترده ترین صورت ازدواج در بسیاری از جوامع بشری و یگانه شکل مشروع ازدواج در جهان غرب محسوب می شود.

د) چند همسری: که معادل لاتین آن polygamy است. از پیشوند poly و پسوند gamy تشکیل شده است. پیشوند poly مشتق از کلمه یونانی polys است و به معنای چند، بسیار، فراوان و بی شمار است. پسوند gamy به معنای عروسی، ازدواج و مقاربت جنسی می باشد. چند همسری در اصطلاح داشتن بیش از یک همسر در یک زمان است. به عبارتی به ازدواج یک مرد یا زن با چند همسر در زمانی واحد اطلاق می شود.

ه) خانواده درون همسری: درون همسری یا خویش همسری، زناشویی با خودی، هم همسری و یا هموگامی homogamy به معنای گزینش اجباری همسر در بین اعضای گروهی است که فرد به آن تعلق دارد. مقصود از آن ازدواج با اشخاص یا همپای های خویش است. هدف اصلی این ازدواج ممانعت بیگانه از داخل شدن به گروه اجتماعی و

نیز ممنوعیت افراد جامعه به ازدواج با اعضای گروه دیگر است و انواع آن عبارتند از :

درون همسری کاستی ، درون همسری نژادی ، درون همسری دینی .

و) خانواده برون همسری : برون همسری به معنای گزینش همسر از خارج گروه اجتماعی ، خاندان ، کلان یا طایفه های دیگر است ، که بدان تعلق داریم ، نظیر عدم امکان گزینش از کسانی که به یک توتیم یا نیای مشترک تعلق دارند . در کلان ها افراد منتسب به یک توت خویشاوندی ، سببلیکی و محرم یکدیگر محسوب می شوند و حق ازدواج با یکدیگر را ندارند . در این گروه محدوده زنا با محارم به وسعت تمامی گروه اجتماعی است . و گروه با این اقدام درصدد بر می آید با برقراری پیوندهای سببی با دیگر کلان ها از تک افتادگی بیرون آید ، همانطور که در سطح درونی وفای خود را از طریق روابط نسبی تأمین می نماید . رسم قرار دادن دختران طایفه ای به وسیله ی پسران طایفه دیگر و بخشش و مبادله بین اقوام و طوایف ، نمونه ای از برون همسری است . که دشمنی دیرینه آنان را رفع می کند و اتحاد دو طایفه را تضمین می نماید .

بند دوم: خانواده از نظر اسلام

خانواده با وجود اینکه در اکثر جوامع مورد توجه است . در جهان بینی اسلامی اهمیت و ارزش شایان توجهی به آن داده می شود . در این جهان بینی خانواده گروهی متشکل از افراد است که دارای شخصیت مدنی ، حقوقی و معنوی است که بر اساس نکاح (عقدی که ارتباط یا مشروعیت ارتباط زن و مرد را معین می سازد) پدید می آید . چنین ارتباطی یک رابطه ساده انگارانه و فاقد مسئولیت پذیری نیست . بلکه پیمان مهم و با اهمیتی است که از جنبه های مختلف برای طرفین مسئولیت هایی ایجاد می کند . چرا که سلامت چنین پیمانی که اولین پایه های تشکیل یک خانواده است ، ضامنی است برای

سلامتی کلّ جامعه. خانواده، کانونی است مقدس که در سایه پیوند زناشویی دو انسان از دو جنس مخالف پایه گذاری شده و با پیدایش و تولد فرزندان کامل تر می شود. به عقیده صاحب نظران، خانواده از نخستین نظام های عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد.

در اسلام برای تشکیل خانواده، استانداردهایی معرفی شده است. هر قدر ارکان تشکیل دهنده خانواده با آن استاندارد ها منطبق باشند به همان مقدار از شایستگی و برتری برخوردار خواهند بود. در روایات اسلامی، ویژگی های فراوان برای شایسته ترین زنان و مردان بیان شده است و در سیره معصومین (ع) نیز اشاراتی وجود دارد که می توان از آنها خانواده های برتر و شایسته را شناخت. از این رو به طور اجمال می توان گفت خانواده برتر از نظر اسلام، آن است که ارکان آن شایسته و منطبق با استاندارد های اسلامی باشد، مناسبات و روابطی منطبق با آموزه های دینی بر آن ها حاکم باشد، خروجی آن انسانهایی شایسته و مؤثر در ساخته شدن جامعه ایده آل اسلامی باشد.

برتری خانواده به انطباق آن با استاندارد های اسلامی و ویژگی های ارزشی و فضیلت هاست. هر خانواده ای از آن استاندارد ها بهره مند باشد، برتر است. بنا براین، منظور از برتری، در فضایل انسانی و ارزش های اسلامی است. اسلام وحدت جامعه را از وحدت زوجین و وحدت اعضا خانواده می شناسد و علایق انسانی موجود در خانواده را قابل گسترش و نشر در جامعه به حساب می آورد. اسلام معتقد است برای اینکه جامعه تحت ضابطه در آید، چاره ای جز این نیست که نخست خانواده تحت ضابطه در آید و هر گونه نظم و سازندگی باید از خانواده آغاز گردد و دامنه سازندگی و گسترش به جامعه کشانده شود و حیات اجتماعی تحت نظم و ضابطه در آید.

اسلام خانواده را کانون اخلاقی جامعه می‌داند. نوع تربیت و ارتباطات موجود در خانواده موجد وحدت و منش اجتماعی است. همچنین خانواده را مرکزی سرنوشت ساز در جنبه انحرافات و عصیان ذکر کرده است و از آن جهت که کودک پستی‌ها و دنائتها را در آن جا تجربه کرده و آموخته است. صفات اجتماعی کودک بر خاسته از خانواده است. اسلام خواستار نسلی است سالم، پاک و عفیف و موجد افتخار برای جامعه انسانی. چنین نسلی جز در دامن خانواده سالم نمی‌تواند تربیت شود. وظیفه‌ای که خانواده در قبال تربیت فرد دارد نقش مهمی که در این زمینه ایفا می‌کند، در واقع به وظیفه او در قبال تربیت جامعه پیوند می‌خورد.

بر این اساس اسلام با مد نظر قرار دادن تأثیرات خانواده در تربیت فرزندان، سلامت اجتماع را در گروی خانواده سالم می‌داند. خانواده سالم علاوه بر رشد و شکوفایی فرزندان، تربیت سالمی را که همسران از یکدیگر در یافت می‌دارند را نیز از نظر دور نگه نمی‌دارد. خانواده سالم چارچوب امنی برای همسر و فرزندان آنهاست. این چارچوب، گسترش یافته، چارچوب امن جامعه را فراهم می‌سازد.

بخش سوم: پیشگیری انتظامی از جرم

بند اول: تعریف واژه پیشگیری prevention

واژه پیشگیری در مفهوم متداول آن در معانی: پیش دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی شتافتن و همچنین آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن است. اما در جرم شناسی پیشگیرانه، پیشگیری در معنای اول آن مورد استفاده واقع می‌شود، یعنی با کار برد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری، به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است. در استنباط مفهوم پیشگیری و مصداق‌های آن دو جهت

گیری کلی دیده می شود. برخی از جرم شناسان مفهوم موسعی برای تدابیر پیشگیرانه قایل شده و گروهی دیگر پیشگیری را در مفهومی محدود و مضیق به کار می برند.

اینک به هر یک از این دو تعبیر با عایت اختصار اشاره می کنیم:

الف) مفهوم موسع پیشگیری

مطابق این مفهوم، انجام هر اقدامی که علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد، پیشگیری محسوب می شود. بر اساس آن برداشت انواع تدابیر کیفری و غیر کیفری چه مربوط به قبل و چه مربوط به بعد از وقوع جرم، پیشگیری محسوب می شوند. فلذا در این تعبیر، حتی تعقیب و دستگیری بزهکاران، اعمال مجازات یا تعلیق اجرای آن، الزام آنان به جبران خسارت مجنی علیه و فردی کردن مجازات توسط قاضی نیز پیشگیری به شمار می آیند. لذا این مفهوم طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیر کیفری را در بر می گیرد. (نجنفی ابرند آبادی، ۱۳۸۳، ۷۳۷)

ب) مفهوم مضیق پیشگیری

در جرم شناسی پیشگیرانه، پیشگیری مفهوم مضیقی پیدا کرده است. در این مفهوم پیشگیری به مجموعه وسایل و ابزارهایی اطلاق می شود که دولت برای مهار بهتر بزهکاری از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم زا و یا از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل فیزیکی و محیط اجتماعی موجب فرصت های جرم، مورد استفاده قرار می دهد. (همان صفحه ۷۴۰)

بند دوم: تعریف پیشگیری از جرم

تعاریف متعددی از پیشگیری از جرم ارائه شده است. آقای گسن، جرم شناس

فرانسوی، برای تشخیص اقدامات پیشگیرانه چهار معیار در نظر گرفته است. به نظر وی:

۱- اقدامی پیشگیرانه تلقی می‌شود که هدف اصلی آن اقدام مؤثر علیه عوامل یا فرایندهایی است که در بروز بزهکاری و انحراف، نقش تعیین‌کننده دارند.

۲- اقدام‌های پیشگیرانه، جمعی هستند، یعنی مخاطب آن‌ها کل جامعه یا بخش و گروه معینی از جامعه هستند.

۳- اقداماتی پیشگیرانه خوانده می‌شوند که قبل از ارتکاب اعمال بزهکارانه یا کجروانه اعمال شوند و نه بعد از ارتکاب آن‌ها.

۴- اقدام‌هایی پیشگیرانه تلقی می‌شوند که قهر آمیز و سرکوبگر نباشند. آقای گسن با توجه به معیارهای ذکر شده، پیشگیری را شامل مجموعه‌ای تدابیر سیاست‌جنایی (جز تدابیر نظام کیفری) می‌داند، که نتیجه آن‌ها کاهش امکان وقوع انحراف و بزهکاری از طریق غیر ممکن کردن، دشوار کردن یا کاهش احتمال وقوع است.

تعریف پیشگیری از جرم از نظر اکبلوم Ekblom عبارت است از: کاهش خطر وقوع و شدت بالقوه جرم و بی‌نظمی، از طریق مداخله در علل آن.

به نظر المر اچ جانسون Elmer.H.johnson پیشگیری از جرم بر چهار پدیده مبتنی است:

۱- اینکه عمل زشت، نابهنجار و تقبیح شده‌ای (جرم) در شرف وقوع باشد.

۲- اینکه چنین کاری توسط ادراک و حواس انسان قابل پیش‌بینی باشد.

۳- اینکه بیشتر اقدامات پیشگیرانه خارج از مرزهای سیستم کیفری است.

۴- اینکه مداخلات قبل از وقوع عمل مجرمانه انجام شود. این تعریف از دو جهت مفید است: نخست اینکه پیشگیری از جرم را وابسته به مشارکت جامعه می داند و امتیاز دوم این تعریف آن است که جنبه پیش کنشی اقدامات پیشگیرانه را پر رنگ می کند.

در تعریف دیگری که توسط مرکز پیشگیری از جرم در استافورد (Stafford انگلستان) ارائه شده و توسط مرکز ملی پیشگیری از جرم ایالات متحده امریکا مورد پذیرش قرار گرفته است، پیشگیری از جرم به نحوه زیر تعریف شده است. >> در رابطه با اهداف رهنمودهای حاضر، "پیشگیری از جرم" شامل راهبردها و تدابیری است که در صدد کاهش خطر وقوع جرائم و کاهش تأثیرات مضر بالقوه آنها بر اشخاص و جامعه (شامل ترس از جرم) از طریق تحت تأثیر قرار دادن عوامل متعدد مؤثر در آنهاست. اعمال قوانین، مجازات ها و اقدامات اصلاحی و تربیتی، هر چند که نقش پیشگیرانه هم دارند، با فرض پوشش جامع موضوع در سایر اقدامات سازمان ملل متحد، از قلمرو این رهنمودها خارج شده اند.

واحد پیشگیری از جرم دادگستری استرالیا نیز پیشگیری از جرم را به عنوان (کاهش خطر وقوع و شدت بالقوه جرم از طریق مداخله در علل آن) تعریف کرده است. به نظر مرکز مذکور به دلایل متعدد ارائه تعریف از پیشگیری دشوار است. از جمله دلایل این دشواری می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- واژه پیشگیری از نظر اصطلاحی معانی متعدد و مفهوم شناوری دارد.

۲- شکل‌ها و تمایزهای مختلفی از پیشگیری از جرم امکان‌پذیر است. این واژه در سطح بین‌المللی در سطوح مختلف به کار برده شده است و به ندرت ممکن است مفهوم آن ایجاد و ابهام کند.

۳- به عنوان یک مفهوم، پیشگیری از جرم می‌تواند بسیاری از مباحث نظری را در بر گیرد و بین جرم‌شناسان اتفاق نظری در مورد ادغام و تلفیق نظریه‌های مربوط به پیشگیری از جرم وجود ندارد.

۴- تفسیر قابل انعطاف واژه "پیشگیری" اجازه استفاده از این کلمه را در معانی مختلف می‌دهد.

در خاتمه چنانچه بخواهیم تعریف مختصر و مفیدی از پیشگیری از جرم ارائه دهیم، می‌توانیم بگوییم که: پیشگیری از جرم، پیش‌بینی، شناسایی و برآورد عوامل خطر جرم و ابداع اقداماتی برای از بین بردن یا کاهش آن‌ها است.

بخش چهارم: عناصر پیشگیری از جرم

با توجه به تعاریف مطرح شده، پیشگیری چهار عنصر خواهد داشت:

الف - غیر قهر آمیز بودن تدابیر پیشگیری: برای اقدام به این تدابیر رضایت ذینفع الزامی است. بر خلاف ضمانت اجرای کیفری که یک سویه اعمال می‌گردد و مجرم نمی‌تواند در وجاهت آن دخالتی کند. در بحث پیشگیری رضایت افراد حتما باید جلب شود. اقدامات غیر قهر آمیز و اصلاح و درمان در حقوق جزا جزء پیشگیری محسوب نمی‌شود. از این رو انجام رژیم‌های حبس بر اساس پرونده شخصیت و برنامه‌های اصلاحی و درمانی در داخل زندان پیشگیری نیست. (چون غیر قهر آمیز نمی‌باشد)

ب - اختصاصی بودن اقدامات پیشگیرانه : پیشگیری باید هدف خاص این اقدامات باشد نه اینکه از آثار جنبی آن پیشگیری باشد . در دعوت به نماز هدف اصلی پیشگیری نیست ، بلکه یکی از پیامدهای آن می تواند پیشگیری باشد . اقدامات پیشگیرانه ردیف بودجه خاصی دارند . اقدامات آموزش و پرورش پیشگیری مستقیم محسوب نمی گردد .

ج) کاستن آثار جرم : اقدامات پیشگیرانه اگر نتواند جرم را محو کند ، می بایست از شدت آثار و زیان های مالی و روحی آن بکاهد . هدف ، توقف روند گذار از اندیشه به فعل مجرمانه است . در این رکن اقدامات ممکن است کنشی (پیشین) یا واکنشی (پسین) باشد . پیشگیری ممکن است نسبت به اقداماتی باشد که افراد را در محل جرم قرار می دهد . جرم انگاری حمل سلاح پیشگیری از وقوع قتل و ضرب و جرح است . (جرم مانع) . داشتن فی حد ذاته قبیح نیست ، اما داشتن آن در موارد خاص یا کاربرد آن در برخی مواقع می تواند باعث جرم شود . لذا به خاطر جلوگیری از آن جرم ، داشتن اسلحه ممنوع اعلام می شود . همین طور است تکدی و ولگردی .

د) در نظر گرفتن عوامل خطر و محیط اجتماعی :

اقدامات پیشگیرانه زمانی مؤثر است که بر علل شناسایی شده اعمال شود . دو دسته علل داریم :

۱- عوامل خطر : عواملی که افراد را به طور کلی و برخی از اشخاص را به طور خاص مستعد خطر می کند . این دسته از عوامل ناظر به شخص هستند . عوامل شکست تحصیلی ، غیبت تحصیلی ، فرار از مدرسه ، رفت و آمد با محیط نا مطلوب از جمله این عوامل هستند

۲- عوامل محیطی: انسان در محیطی که در آن زندگی می‌کند معنا پیدا می‌کند. انسان شهری با انسان روستایی متفاوت است. بنابر این رکن چهارم، یا می‌بایست بر محیط و موقعیت اثر بگذارند و یا بر شخصیت فرد تأکید داشته باشد.

بخش پنجم: انواع اصلی پیشگیری

اقدامات پیشگیرانه غیر قهرآمیز - که بطور خاص ناظر بر پیشگیری است - یا بر خود فرد اعمال می‌شود یا بر وضعیت. زیرا فر بر این است که تعامل میان عوامل شخصی و وضعی شخص را در معرض ارتکاب جرم قرار داده و ما در صدد خنثی کردن آن هستیم.

برای روشن شدن موضوع مثالی می‌زنیم: یک فرد وقتی به دنیا می‌آید تا سن دو سالگی رفتارهای تهاجمی او به اوج خود می‌رسد. از این تاریخ به بعد تربیت نقش خود را نشان می‌دهد. توضیح اینکه بعضی از کودکان به دلیل عدم تربیت مناسب در خانه به رفتارهای پرخاشگرانه خود ادامه می‌دهند و در دوره نوجوانی کماکان از طریق رفتارها متعرض اشخاص می‌شوند. واقداماتی را مرتکب می‌شوند که وصف مجرمانه دارد. اما وضعیت‌های مجرمانه هم گاه در این روند سهیم هستند. جوانی که تربیت خانوادگی او ناقص بوده، در ورود به فروشگاه‌ای که فاقد ابزارهای نظارتی و کنترلی است راحت مرتکب جرم (سرقت) می‌شود اما یک جوان دیگر که در همین فروشگاه وارد می‌شود به لحاظ داشتن عوامل خود کنترل - که در خانواده به آن مجهز شده است از تعرض به مال مردم خودداری می‌کنند.

بنابر این اهمیت شرایط وضعی و شخصی به همراه یکدیگر روشن می‌شود. اقدام مجرمانه تا اندازه‌ای به خاطر وجود نظارت‌های محیطی یا فقدان آنها می‌تواند اتفاق بیافتد. مثلاً علت سرقت را از یک سوباید در اوضاع و احوالی جستجو کرد که نتیجه مطلوب تر

ی برای فرد ایجاد می کند علت سرقت از سوی دیگر ناشی از عدم خود کنترلی و فقدان جامعه پذیری و مردم آمیزی که سبب می شود فرد خود محور گشته و بدون توجه به موانع مرتکب جرم شود. با این توضیحات دو نوع پیشگیری مطرح می شود:

الف) پیشگیری وضعیت مدار

در این نوع پیشگیری ما به دنبال اثر گذاری بر وضعیت ها و اوضاع و احوالی هستیم که زمینه رفتارهای تهاجمی یا تملک آمیز را فراهم می کنند. رفتارهای مجرمانه، یا خشونت آمیز (استفاده از زور) و یا نیرنگ آمیز (استفاده از حيله و تقلب) هستند.

ب) پیشگیری فرد مدار

در این نوع پیشگیری ما به دنبال اثر گذاری بر خود فرد هستیم. می خواهیم خلأ هایی را که در زندگی او به وجود آمده و عموماً ناشی از دوران طفولیت است، پر کنیم. در این رویکرد به ندرت دنبال اقداماتی بر روی والدین هستیم، زیرا ممکن است آنها اصلاً در کنار طفل زندگی نکنند (طلاق - اعتیاد و.....) اما می توانیم به محیط مدرسه و خانواده و دوستان طفل توجه کنیم.

این نوع پیشگیری خود شامل دو نوع است:

پیشگیری رشد مدار: در این نوع پیشگیری ما اقدامات مختلف را در طول دوره رشد رشد کودک توزیع می کنیم. ویژگی آن این است که علاوه بر کودک شامل کلیه کسانی هم می شود که در مجهز کردن کودک به وسایل مقاومت در برابر جرم قصور ورزیده اند.

پیشگیری اجتماعی: یعنی مداخله در محیط‌های اجتماعی عمومی و شخصی فرد. محیط اجتماعی عمومی یعنی محیط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور و محیط اجتماعی شخص یعنی محله، خانواده و...

در کنار عدالت کیفری یکی از مباحث بسیار مهم، پیشگیری اجتماعی است که هماهنگو هم صدا و همدوش با عدالت کیفری حرکت می‌کند، که در این شیوه در عمل هزینه‌ی کمتری از عدالت کیفری مصرف می‌شود و همچنین در عمل کار کرد و کار آیی این شیوه به مراتب مؤثرتر از آن است و همچنین بدون مساعدت سایر نهادها و گروه‌های اجتماعی و استفاده وجدان جمعی پیروزی و موفقیت در بحث کاهش و تقلیل بزهکاری در میدان نبرد دشوار و چه بسا امری غیر ممکن و محال است. در تحقق اهداف این رویکرد هم مجلس باید در بحث قانونگذاری نقش ایفاء کند. برخی از عناوین مجرمانه را که آن چنان اهمیت خاص و ویژه‌ای ندارند، جرم زدایی کند، زیرا با این تدبیر و سیاست دایره عناوین مجرمانه محدود می‌شود. (وروایی، ۱۳۹۱: ۳۵) همین‌طور مشارکت و مساعدت و هم صدا بودن و هم آهنگ بودن نهادها و واحدهای دولتی و حکومتی و واحدها و انجمن‌های خصوصی با یکدیگر، در راستای تبیین این رویکرد در جهت تحقق منویات آن در خصوص اقدامات پیشگیرانه در بحث پیشگیری اجتماعی است به عنوان مثال باید بین نهادهای مردمی مثل پلیس محله و دادسرا و نیروی انتظامی و دادگاه و نهادهای آموزشی مانند آموزش و پرورش، مدرسه، دانشگاه و واحدهای ورزشی توافق و تفاهم وجود داشته باشد. مثل انجمن‌های محلی و ملی پیشگیری از جرم و همچنین آحاد مردم یک جامعه یعنی شهروندان را هم باید به نوعی در این اقدامات پیشگیرانه در بحث پیشگیری اجتماعی سهیم و شریک نمود. البته با حفظ حریم دولت و ملت یعنی این تعامل و شراکت باید به نحوی باشد که استقلال و اقتدار دولت لطمه وارد نشود و موجب

سوء استفاده نگردد و یا سبب ترویج فرهنگ بی‌نظمی و هرج و مرج نشود. زیرا اگر دولت به تنهایی در این امور مداخله نماید چه بسا تعارض و تضاد با حریم خصوصی و موجب محدود شدن آزادی شهروندان می‌شود که در این سیاست مواجه با واکنش مردم می‌گردد، لذا اگر مردم سهیم باشند تمکین‌پذیری آن‌ها بیشتر خواهد شد. این نظریه‌ی پیشگیری اجتماعی با تأکید بر بهبود وضعیت بهداشت زندگی خانوادگی، آموزش و مسکن، فرصت‌های شغلی، فعالیت‌های محلی مجرمان بالقوه و برنامه‌های پیشگیری از وقوع جرایم، روی کودکان و زنان در معرض خطر تمرکز دارد، بطوری که بیشترین برنام‌ها و سیاست‌های تکاملی دارد. (روز نیام، ۲۰۰۰: ۱۳۸۱) بنابر این با اعمال پیشگیری اجتماعی و تدابیر امنیتی در جهت ایجاد یک جامعه امن برای شهروندان از طریق رویکرد توسعه اجتماعی می‌توان بسیاری از معضلات و مشکلاتی که در فرایند تکوین و تشکیل بزهکاری و بزه‌دیدگی نقش دارند مرتفع نمود. به عنوان مثال گاهی بی‌سوادی والدین می‌تواند با سایر شرایط یکی از علل عدم کنترل و انحراف و کجروی فرزندان باشد، لذا اگر والدین توانایی خواندن و نوشتن را داشته باشند، به راحتی می‌توانند بر روند رو به رشد و شکوفایی فرزندان دانش آموز خود نقش مثبت داشته باشند، نظارت بر روی درس خواندن آن‌ها و میزان رشد و ارتقای تحصیلی آن‌ها و برنامه‌های آموزشی و تربیتی آن‌ها داشته باشند و در واقع نظره‌گر اقدامات و عملیات آموزشی و موفقیت تحصیلی آن‌ها باشند و چه بسا دانش آموزانی هستند که از این چالش سوء استفاده نموده و درباره درس خواندن خود به والدین که توانایی خواندن و نوشتن را نداشته باشند، اخبار و اطلاعات غلط و نادرست بدهند و به عبارت دیگر آن‌ها را فریب بدهند. (وروایی، ۳۶: ۱۳۹۱)

امروزه وقتی در باره پیشگیری از جرم سخن گفته می‌شود، معنای دیگری از آن مد نظر است. در معنای جدید، مقصود از پیشگیری، مجموعه‌ی فعالیت‌ها و تدابیری است که

اساس، مانع وقوع جرم و فعلیت یافتن اندیشه‌ی جنایی می‌شود و با ریشه‌ها و علل پیدایی جرم مبارزه می‌کند. در این معنای جدید مجازات چیزی جز مبارزه بامعلول یعنی جرم نیست. مجازات سلاحی ناکافی و نا کارآمد است که می‌تواند ریشه‌ها و علل این پدیده‌ی شوم را از میان بردارد پس باید به اقدام‌هایی روی آورد که پیشاپیش از روی آوردن افراد به جرم و فراتر از آن هر گونه انحراف و رفتار کثر روانه جلوگیری کند. (وروایی، ۳۶: ۱۳۹۱)

بخش ششم: پیشگیری انتظامی از جرم

مطالعه پیرامون و ظایف پلیس در دنیا نشان می‌دهد، در بسیاری از کشورها ی جهان، مهم‌ترین وظیفه‌ی پلیس، پیشگیری از جرم است، اهمیت اقدامات باز دارنده از جرم توسط پلیس از دیر باز مورد توجه محافل و مجامع بین‌المللی بوده است. به همین منظور، در بیست و یکمین قطعنامه مجمع عمومی سازمان‌پلیس جنایی بین‌المللی و نیز بیست و سومین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بر لزوم توسعه فعالیت‌های پلیسی در زمینه پیشگیری از جرم از طریق آموزشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی پلیس تأکید شده است (مجله شهربانی، ۱۳۴۶، ۳۸۹) اهمیت پلیس (اداری) از آن‌جا آشکار می‌شود که پس از وقوع جرم هر اندازه که در دستگیری مجرم و تسلیم او به دستگاه عدالت تسریع شود، باز هم، امنیت دچار تزلزل می‌شود و آثار وقوع جرم از ذهن مردم پاک شود، مدت زیادی طول خواهد کشید، اما این واقعیت غیر قابل انکار است که تنها حضور پلیس در صحنه و مراقبت‌های دایم در پیشگیری از وقوع جرم مؤثر نیست و عواملی از قبیل نا هنجارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه نیز موجب جرم می‌شود یا حتی وضعیت معیشتی خود مأموران نیز بعضی مواقع، موجب سهل انگاری آنها در انجام وظیفه صحیح می‌شود. بر اساس بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، پلیس در نقش ضابط قضایی عهده دار امر پیشگیری انتظامی است. اما وظیفه‌ی پلیس در بحث

پیشگیری، محدود به این سطح از پیشگیری نیست، بلکه بر اساس بند ۱۸ ماده ۴ قانون مذکور، پلیس همگام با سایر سازمان‌ها و در تعامل جدی با آن‌ها زمینه‌های اقدامات فرهنگی را در جهت کاهش جرایم فراهم می‌آورد. بر همین اساس، این ماده دقیقاً ناظر بر اقدامات پیشگیرانه از جرم است که قانونگذار به درستی آن را ملحوظ نظر داده است. پلیس در پیشگیری اجتماعی یا فرد مدار، مداخله در فرایند جامعه‌پذیری، تعامل با بخش‌های گوناگون اجتماعی و مشارکت با نهادهای مرتبط دولتی و غیردولتی، خواهد توانست نقش قابل توجهی را در این نوع پیشگیری ایفا نماید. به عبارتی، پلیس بدون هماهنگی با سایر نهادها قادر به تأمین نظم و امنیت اجتماعی - که هدف کلی پیشگیری از جرم است - نیست. از نظر فریدمن پلیس جامعه‌محور، عبارت است از راهبرد و خط مشی انتظامی که با هدف دستیابی به کنترل مؤثر و کارآمد جرایم، کاهش ترس از جرم، توسعه کیفیت زندگی، گسترش خدمات پلیس و مشروعیت کار پلیس از طریق تکیه بر منابع جامعه، در صدد تغییر شرایط جرم‌خیز است. این امر مستلزم مسئولیت‌پذیری بیشتر پلیس، سهیم شدن فعال‌تر جامعه در فرایند تصمیم‌گیری و توجه بیشتر به حقوق و آزادی‌های مدنی است. پلیس اجتماع‌محور، وظایف‌مانند کاستن از احساس ناامنی، کاهش تعداد شکایات علیه خود و افزایش اطلاعات عمومی در خصوص شیوه‌های پیشگیری از جرم از طریق جلب مشارکت شهروندان را بر عهده دارد، که موجب افزایش رضایت مردم و ارتقای میزان اعتماد عمومی مردم به پلیس و در نهایت - ایجاد احساس امنیت خواهد شد. (رجبی پور، ۱۳۹۱، ۱۲۲)

بند اول: رابطه خانواده و پیشگیری انتظامی از جرم

خانواده بار سنگین حفظ ایمان و تشکیل فلسفه زندگی را در فرزندان و حتی نسل‌ها بر دوش می‌کشد و در زندگی فراتر از لحاظ و نیازهای شخصی در زمان حال را رقم می‌زند. خانواده سنگ بنای جامعه است. جامعه انسانی بر مبنای خانواده بنا نهاده شده و از

انسان‌های کامل، بالغ و مفید از درون خانواده‌های سالم و کامل رشد می‌یابند. اصولاً انسان نیاز دارد وجود خود را در مسیر زندگی پیوسته ببیند، جمله‌ای که حضرت علی (ع) به امام حسین (ع) فرمود: (من وجود تو را دنباله وجود خودم می‌بینم و به این دلیل بر تربیت تو اهتمام می‌ورزم). خانواده کوچکترین ولی مهم‌ترین نهاد اجتماعی است. وضع متزلزل جهان امروز را چیزی جز اصلاح خانواده نمی‌تواند دمان کند و برای رشد و سعادت جامعه و پیشگیری از جرم و درمان انحطاط‌ها باید خانواده را جدی بگیریم و به تشکیل آن قداست بخشیم. در اهمیت خانواده همین بس که خشت اول بنای متعهدانه و مسئولانه در هر جامعه است و رشد و انحطاط هر قوم و ملتی تا حدود زیادی به آن بستگی دارد. با وجود تغییرات شگرف و دگرگونی‌های عظیمی که در روابط اجتماعی و الگوها اجتماعی زندگی پدید آمده است، خانواده همچنان مقدس‌ترین و مهم‌ترین بخش از شبکه اجتماعی کودک است. خانواده به تنهایی ویژگی‌های یک جامعه را دارد و آن جامعه‌ای است که از مجموعه آنها جامعه بزرگتر تشکیل می‌شود. خانواده یک شبکه ارتباطی و نظامی است که در آن، شبکه‌های ارتباطی و قواعد منظمی حاکم است و افراد آن دارای حال، گذشته و آینده مشترک هستند. خانواده مکانی است که کودک با همه تجارب خویش به آن باز می‌گردد، بر آلام و دردهایش مرهم می‌نهد و در آن از افتخارات و موفقیت‌هایش سخن می‌گوید. خانواده مهم‌ترین نهاد تغذیه‌کننده جامعه است، و این نفوذ تا حدی است که جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان، حقوق‌دانان، روانشناسان اجتماعی و مربیان، شرافت یا انحراف و بهنجاری یا نابهنجاری جامعه را نشأت گرفته از خانواده می‌دانند. محققانی چون پروفیسور کوهن به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه روز افزون جرم و بزهکاری نو جوانان در آمریکا نتیجه تحولی است که در خانواده‌های آمریکایی پدید آمده است. درصد کثیری از مجرمان به دلیل فرصت‌های مجرمانه همچون فقر و

محرومیت ، معاشرت با دوستان ناباب ، سر خوردگی های اجتماعی و عاطفی ، با داشتن خانواده نا موفق و مرتکب می شوند . اینجا است که برای کاهش ناهنجاری اجتماعی ضرورت اقدامات و راهکارهای پیشگیرانه نمایان می شود . پیشگیری از جرم ، وظیفه یک فرد یا یک نهاد ویژه نیست ، بلکه تکلیفی است همگانی برای داشتن یک زندگی مطلوب و ایده آل . اما در این راستا بیشترین نهادی که می تواند به این مقوله کمک کند نهاد مقدس خانواده است . با تأملی در زندگی بزهکاران در می یابیم که بسیاری از جرایم آنها ، ریشه در مسائل خانوادگی داشته است . خانواده اولین و مهم ترین اجتماعی است که شخصیت کودک در آن تربیت شده است و اولین تجربیات در آن می آموزد ، تا حدی که برخی از روانشناسان همچون فروید ، کودک را پدر فرد بالغ می داند ، بدین معنا که شخصیت انسان هنگام رشد ، در واقع زائیده همان شخصیت دوران کودکی است . در این رهگذر ارتباط خانواده ها و پلیس در پیشگیری از برخی جرایم مانند سرقت منازل یا خود رو یا سایر اموال و جرایم سایبری بسیار مؤثر و سازنده است . مسافرت خانواده ها و خالی شدن منازل مسکونی در ایام تعطیلات به ویژه عید نوروز فرصت مناسبی برای ارتکاب جرم سرقت در اختیار بزهکاران قرار می دهد . هماهنگی خانواده های مسافر با کلانتری محل می تواند در پیشگیری از سرقت بسیار مؤثر باشد . یکی دیگر از مشکلات نوین خانواده های ایرانی ، معضل استفاده از شبکه های ماهواره ای است که دست کم در دو دهه اخیر بحث های زیادی را مطرح ساخته است . اگر فرض کنیم استفاده از شبکه های ماهواره ای یک معضل یا ناهنجاری است باید به این پرسش پاسخ دهیم که راه پیشگیری و علاج آن چیست ؟ چرا که نمی توان چیزی را بیماری و انحراف دانست و برای درمان آن فکری نکرد . و اگر هم استفاده از ماهواره را امری طبیعی و عادت بدانیم باید برای شیوه استفاده از آن تدابیری اندیشید تا میزان آسیب های اجتماعی آن به حد اقل برسد بدیهی است

همکاری تنگاتنگ خانواده‌ها با پلیس و استفاده از آموزش‌های نیروی انتظامی مؤثر خواهد بود. در راستای تخصصی شدن خدمات پلیس و به منظور سازماندهی پلیس تخصصی، در تاریخ ۸۴/۱۱/۲۲ پلیس پیشگیری ناجا پس از هماهنگی با ستاد کل نیروهای مسلح تأسیس گردید. پلیس پیشگیری با ادغام دو معاونت انتظامی و یگان حفاظت نیروی انتظامی به منظور انجام امور ستادی مربوط به پیشگیری انتظامی اعم از کلانتری، پاسگاه انتظامی، ایستگاههای بازرسی.....برابر ماده یک قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۱۷۹ قانون برنامه سوم تشکیل و راه اندازی گردید. پلیس پیشگیری به منظور نیل به اهداف خود نسبت به تهیه و تنظیم پروشورهای آموزشی و ارتباط با خانواده‌ها و جوانان اقدام کرده است، اما اکتفا به این موضوع کافی نبوده و شایسته است با عنایت به هجمه‌های فرهنگی دشمنان دین اسلام و فرهنگ متمدنی کشورمان همکاری والدین و خانواده‌ها با نیروی انتظامی در پیشگیری از جرم بیشتر شده تا انشا الله در رسیدن به اهداف متعالی کشور موفق باشیم.

منابع و مآخذ

- ۱- احمدی، حبیب. ۱۳۸۴، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، سمت
- ۲- بنی فاطمه، حسین و دیگری. ۱۳۸۹، عوامل اجتماعی موثر بر شدت جرایم در بین زنان مجرم زندان، مقاله ۱، شماره ۱
- ۳- حسینی نژاد، مرتضی. ۱۳۸۴، بررسی علل و اقتصادی جرم در ایران با استفاده از یک مدل داده‌های تلفیقی، مجله برنامه و بودجه، شماره ۹۵
- ۴- ربیعی، ناصر. ۱۳۸۴، بررسی وضعیت اجتماعی- اقتصادی زنان مجرم و بزهکار در شهر تهران، مجله اصلاح و تربیت، سال ۴، شماره ۵۰
- ۵- ستوده، هدایت الله. ۱۳۷۸، آسیبهای اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، انتشارات آوای نور
- ۶- سروستانی، رحمت الله. ۱۳۸۶، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، انتشارات سمت
- ۷- سریرافراز، محمد. ۱۳۸۸، پیشگیری از وقوع جرم و فعایت بستر ساز برقراری جامعه ایمن- تهران، نشر شهر
- ۸- سلیمی، علی و دیگری. ۱۳۸۰، جامعه‌شناسی کجروی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه
- ۹- شیخاوندی، داور. ۱۳۷۳، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، مرندیز
- ۱۰- قجاوند، کاظم. ۱۳۸۸، کلیات جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، مجله اصلاح و تربیت، سال هشتم، شماره ۹۳

- ۱۱- کی‌نیا، مهدی. ۱۳۷۴، مبانی جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه تهران، جلد‌های ۱ و ۲
- ۱۲- گسن، ریموند (۱۹۸۸)، ترجمه مهدی کی‌نیا، مقدمه‌هایی بر جرم‌شناسی؛ تهران انتشارات مترجم، ۱۳۷۰
- ۱۳- محققیان، زهرا. ۱۳۸۷، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، خورشید پرتوی
- ۱۴- محمدی، زهرا. ۱۳۸۳، بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه ۸۰- ۱۳۷۰، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان
- ۱۵- ممتاز، فریده. ۱۳۸۱، انحرافات اجتماعی (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها)، تهران، شرکت سهامی انتشار
- ۱۶- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. ۱۳۸۴، تفیرات جامعه‌شناسی جنایی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.